

**Received:** 2023/11/3

**Accepted:** 2024/1/12

from 149 to 172

**Farzad Dehghani**

Assistant Professor of the  
Department of Quranic and  
Hadith Sciences, Hakim Sabzevari  
University. (corresponding author)  
f.dehghani@hsu.ac.ir

**Soheyla Baloochi**

BA student of Qur'anic and Hadith  
Sciences of Hakim Sabzevari  
University).  
soheyla2001.b@gmail.com

## The Process of Discourse Creation of the Position of Shakir in the Holy Quran Based on the Linear Process of Revelation

### Abstract

Gratitude is one of the fundamental concepts of revelation culture and has a close relationship with religious rituals and rites. This concept is two-way and finds meaning in connection with the Almighty God and mankind; both from God towards His servants and from man towards God and other people. Of course it is God's true and eternal blessing that man and all creatures should be grateful for God's blessings as they deserve. Recognizing the conceptual course of the mentioned material in the form of subject noun, it depicts the type of God's view and the operational application model of the concept of gratitude in order to live a faithful life. The current research seeks to answer these questions with the tool of document library collection and descriptive analytical method with the level of content analysis: What changes does the concept of gratitude show in the linear course of revelation? And what kind of conceptual model does the phasing of the steps of gratitude offer corresponding to the texture of revelation? The findings of the research indicate that gratitude started as a positive concept with its obstacles, and it is taught in the preliminary stage by presenting a model and reforming the family, and in the middle stage, by explaining the importance and necessity of gratitude, its place in human life is established. And finally, with the completion of the argument, the choice of being grateful is left to the human being, and it expresses God's needlessness in this matter, and its conceptual relationship expresses God's special engineering for its objectification and operationalization.

**Keywords:**

Institutionalization, Grateful,  
Obstacles of Grateful, Blessings,  
Holy Quran.

## فرایند گفتمان‌سازی مقام شاکر در قرآن کریم بر اساس سیر خطی نزول

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۲

از صفحه ۱۴۹ تا صفحه ۱۷۲

### فرزاد دهقانی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث  
دانشگاه حکیم سبزواری، نویسنده  
مسؤل

f.dehghani@hsu.ac.ir

### سهیلا بلوچی

دانشجوی کارشناسی علوم قرآن و  
حدیث دانشگاه حکیم سبزواری.  
soheyla2001.b@gmail.com

### چکیده

شکر یکی از مفاهیم بنیادی فرهنگ و حیانی است و رابطه‌ی نزدیکی با آیین‌ها و مناسک عبادی دارد. این مفهوم دوسویه است و در ارتباط با خداوند متعال و بشر معنا پیدا می‌کند؛ هم از طرف خدا نسبت به بندگان و هم شکر انسان از خداوند و سایر انسان‌هاست. البته منعم حقیقی و ازلی خداوند است که انسان و همه‌ی مخلوقات بایستی آن‌گونه که شایسته است، شاکر نعمت‌های الهی باشند. بازشناسی سیر مفهومی ماده‌ی یادشده به صورت اسم فاعل، نوع نگاه خداوند و نوع کاربرست عملیاتی مفهوم شکر را در زندگی برای داشتن زیست مؤمنانه به تصویر می‌کشد. پژوهش حاضر با ابزار گردآوری کتابخانه‌ای اسنادی و روش توصیفی تحلیلی، با سطح تحلیل محتوا به دنبال پاسخ به این پرسش‌هاست: مفهوم شکر در سیر خطی نزول چه تحولاتی را نشان می‌دهد و گام‌بندی مراحل شکر چه الگوی مفهومی متناظر با بافت نزول ارائه می‌دهد؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که شکر به عنوان یک مفهوم مثبت با موانع آن آغاز می‌گردد و در ادامه، با ارائه‌ی الگو و اصلاح خانواده در مرحله‌ی مقدماتی آموزش داده می‌شود و در مرحله‌ی متوسط، با تبیین اهمیت و ضرورت شکرگزاری، جایگاه آن در زندگی انسان تثبیت می‌گردد و در نهایت با اتمام حجت، انتخاب شاکر بودن به خود انسان واگذار شده است و بی‌نیازی خداوند را در این امر بیان می‌کند و رابطه‌ی مفهومی آن بیان‌کننده‌ی مهندسی خاص خداوند برای عینی‌سازی و عملیاتی کردن آن است.

### واژگان کلیدی:

نهادینه‌سازی، شاکر، موانع شکر، نعمت‌ها، قرآن کریم.

## ۱. بیان مسئله

قرآن کریم در بافت و گفتمانی نازل شد که ارزش‌های اخلاقی رنگ باخته بود و ضدارزش‌هایی چون تعصب، بی‌عدالتی، تهاجم و خون‌ریزی و ... تبدیل به ارزش شده بودند. با نزول آیات انسان‌ساز، انقلاب عظیمی در فرهنگ نزول به وجود آمد، به طوری که مفاهیم والایی چون شکر، ایمان، ایثار و شهادت در منظومه‌ی زندگی فرد مسلمان جلوه‌گری کرد. کتاب و حیانی با نزول تدریجی، علی‌رغم مبارزه و زایل کردن سنت‌های جاهلی، همزمان اخلاق بنیادین و حیانی و نیکو را گفتمان‌سازی کرد. «شکر» یکی از مفاهیم بنیادین و حیانی است که در حوزه‌ی معنایی ایمان قرار دارد که از فطرت آدمی سرچشمه می‌گیرد و یکی از نشانه‌های ایمان است. شاکر برای شکرگزاری باید نعمت و منعم را بشناسد و متأثر از آن عمل کند تا هرچه بیشتر از این نعمت‌ها بهره‌مند شود. پژوهش حاضر با ابزار گردآوری اسنادی- کتابخانه‌ای و روش توصیفی- تحلیلی، به دنبال بازشناسی سیر خطی فرایند نهادینه‌سازی شکر در قرآن کریم است. گفتنی است، از آنجاکه نوشتار حاضر فرایند گفتمان‌سازی مقام شاکر را مدنظر قرار داده است؛ به همین سبب، سیاق‌های اسم فاعل شکر را بررسی و تحلیل می‌کند. «شکر» به صورت اسم فاعل در ۱۴ آیه از قرآن کریم بیان شده است که نگاه خطی به این آیات راهکار قرآن در تربیت و شکل‌دهی این مفهوم و حیانی را به تصویر می‌کشد و نهادینه کردن شکرگزاری در انسان‌ها را مرحله‌به‌مرحله و به صورت تدریجی نمایان می‌سازد. برای پاسخ به مسئله‌ی پژوهش، آیات مربوطه به ترتیب نزول مرتب‌سازی می‌شوند؛ سپس مفهوم مدنظر بر اساس هم‌نشین‌ها و سیاق در آیات تحلیل و بررسی می‌گردند تا با انتخاب گام‌ها و مرحله‌بندی آن، کشف ارتباط مفهومی میان مراحل انجام شود.

### ۱.۱. پیشینه‌ی پژوهش

نزدیک‌ترین آثار مرتبط با نوشتار حاضر عبارت‌اند از:

- پایان‌نامه‌ی «تحلیل مفاهیم شکرگزاری مبتنی بر رویکرد اسلامی از نظر آیات و روایات» (حدادی، ۱۴۰۰): در این پژوهش رابطه‌ی شکرگزاری با ازدیاد نعمت و تقوا و ... و شاخص‌های شکرگزاری و بالاترین مرتبه‌ی شکرگزاری بررسی شده است.

- مقاله‌ای با عنوان «شکرگزاری در قرآن و روایات» (نسی، ۱۳۹۹): در این پژوهش، نگارنده به تعریف شکر از نگاه قرآن و روایات و عقل پرداخته و درجات مختلف شکرگزاری را از نگاه اسلام بررسی کرده است.

پژوهش‌های بالا به موضوع شکرگزاری در قرآن و روایات پرداخته‌اند؛ اما هیچ‌کدام با نگاه سیر نزولی و سیر خطی مکی به مدنی به بررسی تغییر و تطور این سیر نپرداخته‌اند و نوشتار حاضر از این دیدگاه نوآوری دارد.

## ۲. فرایند تربیتی نهادینه‌سازی فضایل اخلاقی در قرآن کریم

قرآن محوری‌ترین منبع در تفکر و اندیشه اسلامی است و میزان و معیار نقد گزاره‌های دینی برگرفته از منابعی چون سنت، عقل و اجماع است؛ بدین سبب، گام برداشتن در مسیر مواجهه و ارتباط روشمند و علمی با این کتاب و فهم و دریافت صحیح‌تر و دقیق‌تر، جایگاه مهمی در مطالعات دینی دارد (صانعی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۱۹). قرآن کریم از دیدگاه سبک ادبی متن سه بُعد دارد؛ بدین تعبیر که بُعد اول آن با شرایط زمانی و مکانی خاص مرتبط است و آیات بیان‌کننده‌ی اسباب نزول‌های خاص است؛ بُعد دوم آن بدین‌صورت است که ترتیب خاصی میان آیات و سوره‌های قرآن موجود است و در بُعد سوم، علی‌رغم پیوند با اسباب نزول‌ها و ترتیب خاص، قرآن وحدت خاصی دارد که این امور در تفسیر آن تأثیری ندارد و موجب گسستگی آن نمی‌شود و این وحدت سبب می‌گردد کل آیات به‌منزله‌ی اجزای شبکه‌ی واحدی دربیایند که باهم مرتبط باشند و پیوندی با شرایط زمانی و مکانی تأثیری در آن نداشته باشند. وحدت شبکه بیان‌کننده‌ی نکات زیر است: کل قرآن به‌صورت متن یکپارچه و به‌هم‌پیوسته است. قرآن نزول تدریجی دارد؛ اما همه‌ی اجزای آن یکدست است. با وجود اینکه برخی آیات مرتبط با شرایط ملموس و عینی صدر اسلام است؛ اما کل قرآن شبکه‌ای واحد است. دلالت آیات با آیات دیگر شکل می‌گیرد، هرچند پس از آن نازل شده باشد. هر آیه‌ای هرچند در ظاهر مرتبط نیست؛ اما با تدبر، ارتباط آن با آیات دیگر مشهود است و ارتباط همواره امری محتمل است (قائم‌نیا، ۱۳۹۳، ص ۱۶۰-۱۶۱). در معناشناسی، تعبیر مؤلفه‌های معنایی به خصیصه‌های غیرقابل ساده شدن مفاهیم واژگان در هنگام تحلیل معنایی اشاره دارد. هر واژه‌ای مجموعه‌ای از مؤلفه‌های معنایی دارد. در تحلیل خاصی از تغییر سبک در گفتمان قرآنی، رویکرد معناشناسی در بررسی ویژگی‌های مؤلفه‌های معنایی اتخاذ شده است. الفاظ قرآن بافت-حساس است و با ویژگی‌های معنایی مقدر مفروض مشخص شده‌اند که کاربرد واژه‌ای خاص را متناسب با بافتِ موقعیت خاص می‌سازد (عبدالروف، ۱۳۹۰، ص ۲۲۱-۲۲۲)؛ همچنین توجه به این نکته ضروری است که فهم متن در سطوح مختلف اتفاق می‌افتد. در پایین‌ترین سطح ممکن، خواننده ابتدا باید درک کند که یک جمله چه می‌گوید. فهم در این مرحله بستگی تنگاتنگی با ساختار «پیوستگی» و «معناشناختی» متن دارد. در گام بعدی، خواننده باید بفهمد که جمله‌ی مدنظر چه نقشی در گسترش و تبیین موضوع ایفا می‌کند. در بالاترین سطح از متن، خواننده باید اطلاعات جدیدی از متن به‌دست می‌آورد و در این مرحله، خواننده به دنبال بازشناسی ساختار معناشناسی متن است (صانعی‌پور و لطفی‌پور، ۱۳۹۵، ص ۹۰-۹۱). باید توجه داشت که هر تعبیری در قرآن بر پایه‌ی مفهوم‌سازی خاصی استوار است؛ به همین سبب، در معناشناسی آن باید مفهوم‌سازی پنهان در آن کشف شود و هر تعبیری اصالت دارد. اصالت بدین معناست که اندیشمند و مفسر باید از برگرداندن هر تعبیری به تعبیر دیگر پرهیز کند و مفهوم‌سازی نهفته در هر تعبیری را آن‌گونه که هست، دریابد. باید میان «موقعیت‌های قرآنی» و تفاسیر مختلف متناظر با آن موقعیت‌ها تفاوت قائل شد. مراد از موقعیت‌های قرآنی حادثه یا واقعیتی است که آیه‌ای از قرآن آن را توصیف می‌کند، به‌طوری‌که می‌توان از آن حادثه یا واقعیت، تعبیر مختلفی استخراج کرد. آیه هم تعبیر

خاصی از آن موقعیت نشان می‌دهد. اصالت تعبیر قرآن بدین‌صورت است که نمی‌توان تعبیرهای دیگری به‌جای تعبیر قرآنی جایگزین کرد و در نتیجه، مفهوم‌سازی قرآن با مفهوم‌سازی دیگران تفاوت دارد. در برخی موارد، مفسران با هدف تبیین آیات، مفهوم‌سازی خودشان را جایگزین آیات کرده‌اند (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۱۳۰)؛ بنابراین، در فرایندسازی تربیتی مفهوم بنیادین شکر باید به قرآن به‌صورت شبکه‌ی یکپارچه واحد، آن‌هم با اتخاذ قرآن به‌مثابه روش با رویکرد تنزیلی مورد توجه قرار داد، بدین‌صورت آیات مربوطه با کلیدواژه‌ی «شاکر» به‌صورت تنزیلی، روش مخصوص مهندسی خداوند در گفتمان‌سازی فضایل اخلاقی از جمله شکر را به تصویر می‌کشد و مفهوم‌سازی خداوند ذیل مفهوم شکر، بدون دخالت مفهوم‌سازی غیر قرآنی در اتخاذ قرآن به‌مثابه روش به‌کار بسته می‌شود.

### ۳. بازشناسی معنای اساسی ماده‌ی «ش ک ر»

فراهیدی شکر را مطلق معرفت و شناخت معنا می‌کند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۹۲)؛ اما در کتاب الفروق اللغویه، قید اعتراف به نعمت نیز به معنای آن افزوده شده است: «به‌درستی که شکر اعتراف به نعمتی است به جهت تعظیم نعمت‌دهنده» (عسکری، ۱۴۰۰، ص ۳۹). جوهری شکر را ستایش و مدح معنا کرده است که نشان‌دهنده‌ی اظهار و ابراز زبانی است (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۷۰۲). در مجمع‌البحرین آمده است: شکر اعتراف به نعمت است توأم با نوعی تعظیم (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۵۳). واژه‌ی «الشُّکر» در معنای به یاد آوردن و تصور نعمت و اظهار آن نعمت است. بنا به قولی، «شُکر» مقلوب از «کشر» است؛ یعنی کشف و آشکار کردن. نقطه‌ی مقابل شکر، کفر یعنی فراموشی نعمت و پوشیده داشتن آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۶۱). بر اساس این، واژه‌ی شکر پر بودن خاطر از یاد نعمت‌دهنده است. شکر سه گونه است: ۱. شکر قلبی و آن تصور نعمت است؛ ۲. شکر زبانی یعنی ثنا و ستایش بر نعمت‌دهنده؛ ۳. شکر سایر اعضای بدن یعنی پاداش نعمت دادن به‌اندازه‌ی استحقاق و شایستگی‌اش (همان).

در خانواده‌ی زبان‌های عربی و سامی، ماده‌ی «شَکَر» در معنای پاداش دادن، سپاس نهادن، ستودن، اجیر و مزدور کردن، خود را مزد و پاداش دادن به‌کار رفته است (مشکور، ۱۳۵۷، ص ۴۵۴). واژه‌ی شکرگزار به‌صورت اسم فاعل ۱۴ مرتبه در قرآن به‌کار رفته است:

### ۴. آیات مربوطه به‌ترتیب نزول ابن‌عباس

سند روایت عبدالله بن عباس بدین‌صورت است: «و قد أخبرنا علی بن أحمد بن عبدان، أخبرنا أحمد بن عیید الصَّفَّار، حدَّثنا محمد بن الفضل، حدَّثنا إسماعیل بن عبد الله بن زرارة الرُّقَی، حدَّثنا عبد العزیز بن عبد الرحمن القرشی، حدَّثنا خسیف، عن مجاهد، عن ابن عباس» (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۸-۶۰). در ترتیب نزول سوره‌ها، روایاتی موجود است که مورد اعتماد اندیشمندان اسلامی است و عمده‌ی روایات به عبدالله بن عباس ختم می‌شود. در نوشتار حاضر، ترتیب سوره‌ها بر اساس روایات ابن‌عباس با سند بالا و تکمیل آن مطابق روایت جابر بن زید به‌واسطه‌ی آیت‌الله

معرفت، از روی نسخه‌های متعدد و قابل‌اعتماد به‌کار بسته‌شده است. در نقل سیوطی، سوره‌ی فاتحه در روایت ابن‌عباس نیامده است؛ به همین سبب، بر اساس روایت جابر بن‌زید تصحیح‌شده است (معرفت، ۱۳۹۱، ص ۷۷-۷۸).

مدنی / مکی	نشانی به‌ترتیب نزول			ردیف
	ترتیب نزول	آیه	سوره	
مکی	۳۹	۱۷	اعراف	۱
مکی	۳۹	۱۴۴	اعراف	۲
مکی	۳۹	۱۸۹	اعراف	۳
مکی	۵۱	۲۲	یونس	۴
مکی	۵۵	۵۳	انعام	۵
مکی	۵۵	۶۳	انعام	۶
مکی	۵۹	۶۶	زمر	۷
مکی	۷۰	۱۲۱	نحل	۸
مکی	۷۳	۸۰	أنبیاء	۹
مدنی	۸۷	۱۵۸	بقره	۱۰
مدنی	۸۹	۱۴۴	آل‌عمران	۱۱
مدنی	۸۹	۱۴۵	آل‌عمران	۱۲
مدنی	۹۲	۱۴۷	نساء	۱۳
مدنی	۹۸	۳	انسان	۱۴

#### ۱.۴. شکر در آینه‌ی جاهلیت

با نزول قرآن کریم، انقلاب عظیمی در فرهنگ، نگرش و جهان‌بینی مردم در شبه‌جزیره عربستان به وقوع پیوست. در سوره‌ی جمعه و تصویری که از پیش از اسلام و وضعیت جاهلیت ترسیم می‌شود، گمراهی آشکار است (جمعه: ۲). مراد از ضلالت آشکار انحطاط اخلاقی و رفتاری است، به‌گونه‌ای که خودشان بدان معترف بودند. ماده‌ی «ک/ف/ر» در معنای اساسی پوشاندن و نهان ساختن است و این معنا در سیاق‌های که دلالت بر نعمات خداوند و عطایش می‌کند، در این بافت، «کفر» به‌طور طبیعی معنای پوشیده داشتن و نادیده گرفتن نعمات رسیده به انسان و ناشکری است (ایزوتسو، ۱۳۸۸، ص ۲۴۰). خداوند در سیاق آیات ۳ تا ۱۸ سوره‌ی نحل، همه‌ی نعماتی را که به انسان‌ها داده است، برمی‌شمارد؛ نعمت‌هایی که انسان‌ها به‌جای شکرگزاری فراموش کرده‌اند. از آنجاکه این سوره مکی است (نک: ابن‌سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۴۵۷؛ طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۵۷)، وضعیت ناشکری و ناسپاسی را در اوایل اسلام و پیش از اسلام به‌وضوح به تصویر می‌کشد؛ همچنین در آیات دیگری، نعمات الهی را غیرقابل احصا می‌داند که انسان به‌جای شکرگزاری،

کفران و ناسپاسی می‌کند (ابراهیم: ۳۴): همچنین سوره‌ی ابراهیم نیز مکی است (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۳۰۴).

ماده‌ی دیگر «ک/ن/د» است و در معنای شاکر نبودن و ابا کردن از اعتراف به دریافت لطف و نعمت است. آیاتی که در سیاق آن‌ها ماده‌ی «کنود» به کار رفته است، حامل این معنای ضمنی است که انسان فطرت ناسپاس خود را از راه بخل و محروم داشتن دیگران حتی از بخش کوچکی از نعمت‌های الهی نشان می‌دهد. بخشیدن بخش کوچکی از نعمات خدادادی به نیازمندان نشانه‌ی شکر انسان در برابر نعمات است (ایزوتسو، ۱۳۸۸، ص ۲۴۷) همان‌طور که می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ» (عادیات: ۶): انسان نسبت به نعمت‌های پروردگارش ناسپاس است. تعبیر یادشده در سوره‌ی مکی (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۲۶۸)، متناظر با گفتمان زمان نزول حول محور شکر است.

## ۵. مراحل نهادینه‌سازی مقام شاکر در قرآن کریم

در پژوهش حاضر، نهادینه‌سازی مقام شاکر در قرآن به صورت سیر نزولی بررسی شده و با توجه به ارتباط آیات، مرحله‌بندی گردیده است که در ادامه، هر مرحله و گام‌های آن ذکر می‌شود.

### ۱.۵. مرحله‌ی نخست<sup>۱</sup>

در آیات مکی که هنوز نام اسلام پرآوازه نبود، از انسان‌ها انتظار شکرگزاری نمی‌رود؛ بنابراین، خداوند ضمن توجه به بافت و دانایی جامعه و مخاطبان، برای نهادینه کردن شکر در بندگان و تربیت شخص شاکر، ابتدا موانع شکر را بیان کرده است تا با زدودن موانعی که در آن بافت وجود داشت، بتوان زمینه‌ای برای تحقق شکرگزاری حقیقی ایجاد نمود؛ سپس در اولین گام آموزش شکرگزاری، فرستاده‌ی خود را در امر رسالت به‌عنوان الگویی (اعراف: ۱۴۴) برای بندگان مطرح می‌سازد تا با طرح مثال عینی، راه بهانه‌جویی را بر همگان ببندد.

در آیات مکی، خداوند به زبان تجارت (یونس: ۲۲) که برای آنان ملموس‌تر است، سخن گفته است. از آنجاکه مردم عربستان تاجرپیشه بودند و کارشان به صورت مبادله‌ی کالا به کالا بود، همین‌که خداوند در ازای شکر، پاداشی مشخص کرده و شکرگزاری را در برابر برآورده شدن خواسته بیان نموده است، درک و پذیرش آن از سوی مردم مکه آسان‌تر شده است. مرحله‌ی نخست در سه گام قابل‌بررسی است که از زدودن موانع (اعراف: ۱۷) شروع شده و با ارائه‌ی الگو (اعراف: ۱۴۴)، شکرگزاری را عینی کرده است و اولین شکرگزاری انسان را در بستر خانواده برای فرزند صالح (اعراف: ۱۸۹) مطرح ساخته که بیان‌کننده‌ی راهی برای آغاز سپاس‌گزاری است.

از آنجاکه کلیدواژه‌ی شاکر به ترتیب نزول (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۹-۶۰)، اولین بار در آیه‌ی ۱۷ سوره‌ی اعراف به کار رفته است و محتوای این آیه به موانع شکر اشاره دارد، پس اولین گام موانع شکر گزار است.

۱- گفتنی است، تقسیم‌بندی در این پژوهش، در گام اول به ترتیب نزول و در گام بعدی، به ترتیب سیر مفهومی زنجیره‌ای بوده است.

## گام نخست: موانع شکرگزار

«تُمْ لَاتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ» (اعراف: ۱۷).

آیه‌ی ۱۷ سوره‌ی اعراف که در روایات ابن‌عباس سی‌ونهمین سوره‌ی (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۹-۶۰) نازل‌شده است، اولین گام قرآن برای تبیین مفهوم شاکر و اهمیت آن است. در این مرحله، به ذکر موانع شاکر پرداخته‌شده است تا با شناخت موانع، مسیر شکرگزاری و پستی بلندی‌های آن برای انسان روشن شود. در این آیه، شیطان خداوند را مخاطب قرار داده است که همه‌ی اهتمام خود را به‌کار می‌بندد تا انسان را از شکرگزاری خداوند بازدارد و این تلاش همه‌جانبه‌ی شیطان نشان از اهمیت بالا و نقش بسزای شکرگزاری خداوند در زندگی انسان دارد؛ اما شیطان به دو جهت فوق و تحت نمی‌تواند مسلط گردد و در روایات (نک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۰، ص ۱۵۲) آمده که این دو راه برای دعا و سجده در پیشگاه خداوند باز است؛ پس این دو راه به سبب ایجاد ارتباط با خداوند و نزول رحمت است که انسان از طریق آن‌ها، مشغول شکرگزاری پروردگار شود. خداوند در این آیه، به‌صورت غیرمستقیم انسان را از موانع شکرگزاری آگاه کرده است تا با از میان برداشتن موانع، راه سپاس‌بندگان بر خداوند روشن و آشکار گردد و انسان بدون مشقت و عذر و بهانه‌ای شکر خداوند را به‌جا آورد. اینکه شیطان تلاش خود را برای ناسپاسی آدمیان می‌گذارد، به علت پایین آوردن مقام و مرتبه‌ی انسان در پیشگاه خداوند است؛ زیرا شکرگزاری محور کمال انسانیت و از بهترین صفات بشر است که به صفت خداوند شباهت دارد (نک: حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۶۵؛ محسنی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۵۷؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۳۲). همه‌ی مخلوقات از جمله انسان‌ها و فرشتگان با مؤلفه‌ی عبادت و شکرگزاری به درجات بالا خواهند رسید و شیطان با این موانع در تلاش است تا انسان‌ها را از این مسیر بازدارد (نک: طیب، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۲۸۷). خداوند با بیان موانع شکرگزاری، بر اهمیت آن تأکید می‌کند؛ زیرا کارهای کم‌اهمیت به آسانی به‌دست می‌آیند و مانعی ندارند و مانع برای انحراف از صراط مستقیم است. قیام به شکر حرکت در این صراط مستقیم است که شیطان می‌خواهد راه ورود انسان را به این راه ببندد (نک: سعدی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۱۶). اینکه فعل «تجد» در آیه به‌صورت منفی به‌کار رفته، تأکیدی است بر خواسته‌ی خداوند که خواستار سپاس‌گزار بودن آدمیان است و اینکه در مسیر خلقت به‌درستی حرکت کنند. در اولین مرحله، انسان با آگاهی از موانع، به شناخت راستین شکر خواهد رسید و در پیمودن این راه، با از میان برداشتن موانع، به شکرگزاری خداوند نزدیک‌تر می‌شود و زمینه‌ی نقش بستن شکر بر زندگی از طریق زدودن موانع فراهم خواهد شد.

## گام دوم: شکر در برابر نعمت رسالت (الگو)

«قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (اعراف: ۱۴۴).

در گام دوم، خداوند شکر در برابر نعمت بزرگ رسالت را تبیین می‌کند، همان‌گونه که در سوره‌ی جمعه نیز به این مسئولیت عظیم اشاره شده است (جمعه: ۳). این آیه خطاب خداوند به فرستاده‌ی خود، حضرت موسی<sup>(ع)</sup> است. خداوند برای آموزش انواع شکرگزاری، اولین دستور به شکر را به حضرت موسی<sup>(ع)</sup> خطاب کرده است. البته حتی با فرستاده‌ی خود نیز با برهان سخن گفته و در ازای اعطای رسالت و سخن گفتن با حضرت، از او خواسته است در برابر این نعمت سپاس گوید و از شاکران شود؛ یعنی این نعمتی است که با یک‌بار شکر گفتن حق آن ادا نمی‌شود و به سبب آن باید در زمره‌ی شاکران قرار گرفت و این ویژگی باید نهادینه گردد تا همچنان برتری حفظ شود. این آیه یکی از آشکال شاکر بودن را بیان کرده است که در برابر نعمت رسالت است؛ پس یکی از راه‌های شاکر بودن فراگرفتن و به‌کار بستن فرمان خداوند است. اینکه فرمان خداوند به بنده‌ی برگزیده‌ی خود، داشتن حالت شکرگزاری است، بدان سبب حائز اهمیت است که یادآور مقام رفیع شاکران در پیشگاه خداوند می‌شود (نک: حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۳۴). خداوند در ابتدا به بنده‌ی برگزیده‌ی خود در برابر نعمت بزرگی چون رسالت، فرمان شکرگزاری داده (نک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۱۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۷۳۳)؛ سپس با الگوسازی به سایر انسان‌های عادی در برابر نعمت‌های کوچک و بزرگ دیگر، این فرمان را تعمیم داده است؛ یعنی هر انسان در هر درجه و مقامی، با شکرگزاری در مسیر درست قرار می‌گیرد و با دستور به بندگان ممتازش، بر همگانی بودن شکر برای همه‌ی افراد و در برابر همه‌ی نعمت‌های الهی تأکید کرده است (نک: طیب، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۴۵۳) و زمینه‌ی شکرگزاری را برای دیگر انسان‌ها فراهم کرده است. انسان تنها با آگاهی از موانع (اعراف: ۱۷) نمی‌تواند شکرگزار باشد و در این مسیر، نیازمند الگو برای ملموس شدن شکرگزاری است؛ بنابراین، خداوند برای عینی‌سازی، برترین بنده‌ی خود یعنی پیامبر<sup>(ص)</sup> را به‌عنوان الگویی کامل معرفی کرده و راه هرگونه بهانه‌جویی را بر انسان بسته است.

## گام سوم: شاکر در برابر خواسته‌ها (فرزند صالح)

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبُّهَا لَعْنٌ آتَيْنَا صَالِحًا لَنَكُونَ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (همان: ۱۸۹).

خداوند در این گام، طریقه‌ی شکرگزاری در برابر خواسته‌های انسان از جمله داشتن فرزند صالح را بیان کرده است. در این آیه، فرمان به شاکر بودن از سوی خداوند نیست، بلکه تصویرسازی مصداقی از شکرگزاری است، به‌طوری‌که آدم<sup>(ع)</sup> و همسرش خطاب به خداوند می‌گویند که در ازای اعطای فرزند صالح و سالم، شکرگزار خواهند بود. آنان در برابر خواسته‌شان، برترین پیشکش از جانب خود را وعده می‌دهند که همان شکرگزاری است و البته فرزند سالم و شایسته از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند است که سزاوار شکرگزاری به درگاه اوست. آیه از ابتدا درباره‌ی خلقت انسان و

همسری از جنس خودش برای آرامش و راحتی اوست و تکمیل‌کننده‌ی این خلقت بقای نسل انسان است که این میل در فطرت انسان قرار دارد (نک: طباطبایی، ۱۴۲۷، ج ۴، ص ۳۹۳؛ قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۴۱). با وجود فرزند سالم و صالح، به نحو احسن این نیاز برآورده می‌شود و شکرگزاری در این آیه برای همه‌ی نعمت‌های ذکرشده است. شاید آدم، تنها خواسته‌ی خود را ذکر کرده باشد؛ اما در ابتدای آیه، خداوند نعماتی را برشمرده که بدون درخواست نیز به انسان عطا نموده است. در این آیه، شاکر بودن راهکاری است برای رسیدن به خواسته‌ها و البته قدردانی و به‌جا آوردن حق آن خواسته که برآورده شده است. این نکته نیز حائز اهمیت است که خداوند آموزش شکرگزاری را از خانواده آغاز کرده است که ابتدایی‌ترین محل تربیت و پرورش انسان است و آیه خطاب به همه‌ی افراد است (نک: قرشی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۷۰).

ذکر اولین انسان‌ها و اولین محل تربیت که خانواده است، در کنار هم تصویر زیبایی از تدبیر خداوند را برای آموزش شکرگزاری نمایان می‌سازد. پس از الگوسازی، نیاز به جایگاه و مصادیق شکرگزاری وجود داشت؛ به همین سبب، شکرگزاری اولین خانواده جایگاه شاکر را روشن می‌سازد. انسان، شکرگزار کسی است که او را برآورده‌کننده‌ی نیازهای خود می‌بیند. این آیه به‌نوعی بیان‌کننده‌ی نگاه توحیدی در زندگی نیز است. شکرگزاری آدم و حوا<sup>(۲)</sup> از دیدگاه مصداق و چگونگی انسان‌ها قابل‌درک‌تر است و در سطح مهمی چون خانواده، آموزش شکرگزاری نمایان می‌شود.

### ارتباط گام‌های مرحله‌ی مقدماتی

خداوند با آگاهی‌بخشی انسان به موانع شکر، در پی آن است مسیر بندگی را که با شاکر بودن گره خورده، برای او ترسیم کند و این‌گونه انسان آسوده‌تر پذیرای این آموزه‌ی تربیتی نوین خواهد شد؛ پس در ابتدایی‌ترین گام، موانع راه شکرگزاری را مشخص می‌کند و در گام بعدی، با دعوت فرستاده‌ی خود به این مسیر، الگویی می‌سازد که راه را برای دیگران نیز می‌گشاید. در ادامه، خداوند علاوه بر روشن‌سازی مسیر و الگو، انسان را در مسیر شکر رها نمی‌کند و نمونه‌ای دیگر برای آغاز و انس گرفتن با شکرگزاری معرفی می‌نماید که با بحث شکر در برابر خواسته‌ها و تأمین منافع، همه را به این امر ترغیب کند. اگر شکرگزاری عمل واجبی در برابر نعمات و بدون پاداش بود، گمان می‌رفت گروه اندکی به آن روی بیاورند؛ اما خداوند با آگاهی بر فطرت و تمایلات انسان، او را به‌واسطه‌ی برنامه‌ی تربیتی و هدایتی بی‌نقص، به‌سوی رشد و کمال رهنمون می‌سازد و برای نمونه‌ی شکر در برابر خواسته، از اولین انسان یعنی حضرت آدم<sup>(۳)</sup> مثال زده است تا آموزش شکرگزاری را از اولین محل تربیت و همچنین اولین خانواده شروع کند. این سه گام در یک مرحله قرار می‌گیرند که مقدمه‌ای برای آماده‌سازی ذهن انسان برای پذیرش شکر و کاربست آن در زندگی است. در مرحله‌ی بعدی، خداوند اشکال و فواید شکرگزاری را بیان می‌نماید که مستلزم شناخت شکر است (شناخت در مرحله‌ی مقدماتی انجام گرفت). در این مرحله، پس از شناخت ابتدایی وارد تثبیت جایگاه شکر در زندگی می‌شود تا به‌واسطه‌ی آن، به همه‌ی ابعاد زندگی راه یابد.

## ۵.۲. مرحله‌ی متوسط

در مرحله‌ی متوسط، با توجه به آماده‌سازی ذهنی در مرحله‌ی قبل، آشکال و فواید شکرگزاری در ۹ گام گفتمان‌سازی شده و با تبیین اهمیت و ضرورت شکرگزاری، به دنبال تثبیت جایگاه شکرگزاری در موقعیت‌های مختلف زندگی انسان است. در آیات مدنی این مرحله مفاهیم عمیق‌تری نسبت به آیات مکی بیان شده است.

### گام نخست: شاکر برای نجات از درماندگی

«هُوَ الَّذِي يَسِيرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرِينَ بِيَهُمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنِ أُنجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (یونس: ۲۲).

در این گام، خداوند شکر در برابر نجات انسان از موقعیت‌های بحرانی را یادآور می‌شود. با توجه به سیاق، روی سخن در این آیه با مشرکانی است که از ربوبیت خداوند غافل هستند. خداوند ابتدا جلوه‌های ربوبیتش یعنی سیر در بیابان‌ها و دریاها و حرکت کشتی‌ها را بدون هیچ خللی بیان می‌کند (نک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۵۶) و هنگامی که دریا طوفانی می‌گردد و خطر غرق شدن انسان‌ها را تهدید می‌نماید، به درگاه خدا روی می‌آورند و درماندگی و احساس خطر مرگ باعث بریده شدن امید انسان از غیر خدا می‌شود (نک: میدی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۷۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۲۵۹). در این موقعیت، با اظهار ندامت و شرمساری در پیشگاه خدا و پوزش‌طلبی از خطاها، با خداوند پیمان می‌بندند که اگر نجات یابند، به جرگه‌ی بندگان شاکر و سپاس‌گزار بپیوندند.

در اینجا، شاکر بودن در جمله‌ی شرطیه و در ازای برآوردن خواسته از سوی مردم بیان شده است؛ اما با آیه‌ی ۱۴۴ سوره‌ی اعراف متفاوت است؛ زیرا در آنجا حضرت آدم و حوا<sup>(۴)</sup> درمانده و مضطر نبودند و پیش از آن خواسته نیز از شاکران بودند؛ اما در این آیه، انسان‌ها در حالت درماندگی به یاد خداوند و شکرگزاری افتاده‌اند (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۲۶۰؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۵۵۶). هنگامی که انسان به‌وفور از نعمت‌های گوناگون برخوردار است و شکرگزار نیست، خداوند با عنایت به او، اضطرابی برایش وجود می‌آورد تا تلنگری شود برای پیوستن به جرگه‌ی شاکران و این عنایت خود نعمتی است، اگر در آن تدبیر گردد، مستلزم شکرگزاری است؛ بدین سبب که هر نعمت شکر دارد که باید آن را به‌جا آورد. آیه‌ی بالا به‌وضوح، نشان‌دهنده‌ی نتیجه‌ی آیات پیشین است که با مراحل پی‌درپی و آگاهی به موانع و توجه به الگو، قرار گرفتن بندگان در مسیر شکرگزاری را گفتمان‌سازی کرده و در ادامه، استفاده‌ی مقطعی آن‌هم در زمان گرفتاری از شکرگزاری را گوشزد نموده است. کارکرد شکرگزاری مخصوص شرایط بحرانی نیست، بلکه در همه حال و در همه‌ی امور باید شکر را به‌جا آورد که آیه‌ی بالا زمینه‌ای برای بیان این حقیقت است. در گام‌های بعدی، جایگاه شکر در زندگی مشخص و تثبیت خواهد شد.

## گام دوم: شکرگزاری معیار ارزشمندی

«وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ» (انعام: ۵۳).

در این گام، خداوند شکر را با وصفِ والای معیار ارزشمندی خوانده است. آیه درباره‌ی آزمودن و ارزیابی بندگان و تعیین معیار برای ارزشمندی انسان‌ها است. در زمان زندگی آخرین پیامبر (ص)، اعراب جاهلی معیار برتری را مال، فرزند و قبیله می‌دانستند؛ اما قرآن با گفتمان‌سازی برخلاف گفتمان فضای نزول و با برتری دادن فقیران بر ثروتمندان، معیار ارزشمندی آنان را دگرگون کرد و ارزشمندی را به بندگانی بخشید که در برابر نعمت ایمان سپاس‌گزار و شاکر هستند (نک: کاشانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۹۶؛ اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۷۶۴). خداوند با فاصله‌ی میان فقیر و ثروتمند، آنان را آزمود تا گروهی که سپاس‌گزار یا ناسپاس هستند، از این طریق مشخص شوند (نک: امین، بی‌تا، ج ۵، ص ۵۲).

خداوند برای ارزشمندی، معیاری را گفتمان‌سازی کرد که برخلاف معیارهای پیشین، انسان‌ها از درک آن عاجزند و در نتیجه، توان تغییر و جابه‌جایی آن را ندارند؛ بدین سبب که ایمان باوری قلبی است با رفتار نمی‌توان آن را تشخیص داد، این شکرگزاری را تنها خداوند تشخیص می‌دهد (نک: دیوبندی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۱۷)؛ پس این آیه شکر را معیاری برای ارزشمندی بندگان دانسته است. در حقیقت، هر مؤمنی در ابتدا باید شکرگزار نعمتِ ایمانی باشد که خداوند به او ارزانی داشته است (نک: حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۲۴). از سویی، مؤمنان با ایمان خویش یعنی باور قلبی و عمل نیک، شکرگزار نعمت هدایت‌اند (نک: میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۶۵؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۴۶۸) و همین ایمان و نیایش خالصانه به درگاه خداوند سپاس‌گزاری است.

در ابتدای آیه سخن از امتحان است؛ آزمودن بندگان برای خالص کردن آنان. در انتهای آیه، خداوند خود را آگاه به شاکران دانسته است (اسراء: ۵۴). بر اساس این، شاکران بندگان خالص‌شده‌ای هستند که در آزمون الهی سربلندند و توانسته‌اند با شکرگزاری، وجود خود را ارزشمند کنند. در این گام، شکر در زندگی نهادینه می‌شود و تنها دستاویزی برای شرایط بحرانی نیست، بلکه معیاری برای ارزشمندی است.

## گام سوم: شکرگزاری راه رسیدن به امداد خداوند

«قُلْ مَنْ يَنْجِيكُمْ مِنْ ظِلْمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (انعام: ۶۳).

این گام راه رسیدن به یاری و مدد خداوند را روشن ساخته و آن شکرگزاری است. آیه با استفهام انکاری آغاز شده است و تأکید می‌کند که خداوند یکتا تنها نجات‌بخش در هر مشکلی است؛ اما انسان‌ها فقط در سختی‌ها به این مهم توجه می‌کنند و خدا را برای رهایی می‌خوانند و شاکر بودن را در گرو نجات خود عنوان می‌کنند (نک: قرشی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۳۸؛ طیب، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۹۸). در همه‌ی دشواری‌ها و تنگناهای زندگی، امداد خداوند نجات‌بخش انسان است. در شرایط

بحرانی، انسان متناظر با فطرت توحیدی، خداوند را برای نجات خود می‌خواند (نک: حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۵۴؛ طیب، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۹۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۲۷۹). تأکید آیه تقویت نگاه توحیدی و شکرگزاری از خداوند یکتا است. به همین منظور، موقعیت‌هایی را ترسیم کرده است که انسان به یاد خداوند و شکرگزاری می‌افتد که یکی از آن‌ها سختی و مشکلات است؛ اما پس از نجات از تنگنا، به شرک خود ادامه می‌دهد (نک: خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۹۰؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۲۰۳). شاکر بودن راه نجاتی در مقابل پیوستن به جرگه‌ی مشرکان است. هنگامی که همه‌ی نعمت‌ها را از سوی پروردگار عالم بدانیم و تنها شکرگزار او باشیم، از شرک در امان می‌مانیم؛ پس از تثبیت جایگاه شکر و تعیین ارزشمندی آن، معنای شکر حقیقی و مؤلفه‌ها و فواید آن بیان می‌شود تا انسان در این مسیر، ثابت قدم و استوار پیش رود. شکرگزار واقعی باید برای شکر نعمت، به شناخت منعم نیز پی ببرد. اصل سپاس‌گزاری و قدردانی مهم و اساسی است؛ اما نکته‌ی اصلی در همه‌ی این گام‌ها، سپاس‌گزاری از خداوند یکتا است که انسان را از شرک و توجه به دیگر خدایان دروغین و ساختگی دور می‌سازد. در زمان نزول قرآن، بت‌های دروغین و دست‌ساز توجه انسان را از خداوند دور می‌ساختند و جایی برای نگاه توحیدی در زندگی آنان نبود. امروزه نیز مصادیقی از شرک خفی انسان را از یاد خدا غافل می‌کند و جلوه‌های مختلف شرک در زندگی انسان نمود می‌یابد؛ بنابراین، شناخت منعم مقدمه‌ی تثبیت شکر و ارزشمندی جایگاه مقام شاکر است.

### گام چهارم: شکرگزاری مانعی برای شرک

«بَلِ اللّٰهِ فَاَعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ» (زمر: ۶۶).

خداوند در این گام، شکرگزاری راه فرار از شرک را بیان کرده است. در این آیه، دو فرمان به پیامبر<sup>(ص)</sup> صادر شده است. هر دو در کنار هم با توجه به سیاق، مانعی است برای اینکه فرد مشرک نشود، اینکه تنها خداوند را عبادت کند و از شکرگزاران باشد. شکرگزاری معنای وسیعی دارد که در نگرش و باور انسان نیز نقش دارد. اگر انسان همه‌ی نعمت‌ها را از سوی خداوند متعال بداند و در برابر آن‌ها شکرگزار پروردگار باشد، دیگر دچار شرک نمی‌شود؛ چون همه‌چیز عالم را از سوی خدا می‌داند و تنها قدردان اوست نه چیز دیگری و برای خواسته‌های خود نیز به سراغ دیگری نمی‌رود (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۹، ص ۵۲۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۴۳۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۷۹۰). این آیه طوری بیان شده است که سپاس‌گزاری دامنه‌ی وسیع‌تری را شامل می‌شود و عبادت نیز نوعی شکرگزاری به درگاه خداوند به‌شمار می‌آید (نک: خطیب، ۱۴۲۴، ج ۱۲، ص ۱۱۸۹)؛ زیرا عبادت با جمله‌ی فعلیه بیان شده است که به حدوث دلالت دارد و شکر به‌صورت جمله اسمیه و اسم فاعل که بر استمرار و ثبوت دلالت دارد و این نکته را به ذهن می‌رساند که عبادت جزئی از شکرگزاری است. آیه‌ی بالا مکمل گام پیشین است که انسان را از شرک بازدارد و این راه نجات همان شکرگزاری است. شکرگزاری حقیقی که همراه با پرستش خداوند یکتا است، به شناخت منعم و درنهایت، به نگاه توحیدی و دوری از شرک منجر خواهد شد.

## گام پنجم: شکرگزاری عاملی برای هدایت

«شَاكِرًا لِّأَنْعَمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (نحل: ۱۲۱).

خداوند در این آیه، شکر را راهی برای دستیابی به هدایت معرفی کرده است. این آیه درباره‌ی حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> است که معیار هدایت و برگزیدگی‌اش شکرگزاری حقیقی و دوری از شرک بود. همان‌طور که در آیات پیشین، شکرگزاری عاملی برای دوری از شرک بود، در این مرحله، عاملی برای هدایت است (نک: طیب، ۱۳۶۹، ج ۸، ص ۲۰۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۵۳۰؛ امین، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۵۸).

در آیه‌ی ۱۴۴ سوره‌ی اعراف، حضرت موسی<sup>(ع)</sup> از سوی خداوند برگزیده گشت و پس از آن، به شکرگزاری فرمان داده شد. در اینجا، شکرگزاری خود عاملی برای برگزیده شدن است. بر اساس آیات پیشین، شکرگزاری معیاری است برای ارزشمندی انسان و هر انسان ارزشمندی می‌تواند متناسب با درجه‌ی ارزشمندی خود برگزیده شود (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۴۵۰). در فرهنگ و حیاتی، شکرگزاری مؤلفه‌ی بنیادینی برای همه‌ی شئون زندگی است و این نکته یادآور نیازمند بودن انسان به خداوند بی‌نیاز است. اینکه حتی وجود انسان از سوی خداوند متعال است، لزوم شکرگزاری این نعمت‌ها را در هر لحظه برای ما اثبات می‌کند که باید دائم شکرگزار بود و هرچند که بازهم آن‌گونه که سزاوار است، نمی‌توان حق نعمت‌ها را به‌جا آورد. خداوند با این آیه، در بیان فواید شکرگزاری فراتر رفته و علاوه بر دوری از شرک، به هدایت و برگزیده شدن نیز اشاره کرده است.

## گام ششم: شکر راه رسیدن به امنیت و منافع

«وَعَلَّمَآدَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ» (انبیاء: ۸۰).

خداوند در این گام، امنیت و منافع را هم در گرو شکرگزاری بیان کرده است. در این آیه، خداوند به علت آموزش صنعت ساخت زره به حضرت داوود<sup>(ع)</sup>، مردم را به شکرگزاری فراخوانده است (نک: حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۱، ص ۸۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۹۲). این آموزش در جهت منافع مردم و حفظ آنان از تعرض دشمن بود و امنیت و منافع آنان را در برابر دشمن فراهم می‌کرد. خداوند می‌خواهد مردم را به این فهم برساند که هر نعمتی که به شما می‌رسد، از سوی خداوند است و شکرگزاری بر آن واجب است؛ چه خودتان آن را خواسته باشید و چه بدون درخواست به شما عطا شده باشد. درنهایت، این خداوند است که صلاح انسان را می‌داند و هرچه برای او پیش آورد، خیر است. این آیه گویا هشدار است برای همه‌ی انسان‌ها که چشم نعمت‌بین داشته و مدام شاکر نعمت‌ها باشند. خداوند با مثال‌های مختلف، چشم انسان را بر همه‌ی نعمت‌هایش می‌گشاید تا وحدانیت و رنگ توحیدی در همه‌ی زندگی او نقش بندد و به سرچشمه‌ی این نعمت‌ها توجه کند؛ چه نعمت‌هایی که درخواست کرده است و چه نعمت‌هایی که عقل او به آن‌ها نمی‌رسد که درخواست کند، همه‌ی از سوی خداوند یکتا هستند. این‌گونه تدبیرهای خداوند انسان را در

امان نگه‌می‌دارد و با این آیه تلنگری به انسان وارد می‌شود که طوری شکرگزار باشد که لیاقت این تدبیرها را داشته باشد.

این گام تکمیل‌کننده‌ی حجتی است بر انسان و در گام‌های بعد، دیگر خداوند بر شکرگزاری اصرار نمی‌ورزد تا انسان با حقایق روبه‌رو گردد و خود راه را انتخاب کند و به جای دعوت به شکر، با برشمردن پاداش شکرگزاری، انسان را به‌طور غیرمستقیم به آن هدایت می‌کند.

### گام هفتم: شاکر بودن خداوند در برابر شکرگزاری انسان

«إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۱۵۸).

در این آیه، خداوند خود را در برابر شکرگزاری‌های انسان، شکرگزار معرفی کرده است. این آیه در مدینه نازل شده است و مسلماً نشان از تعمیق گفت‌وگوهای سازنده دارد؛ به همین سبب، از شکرگزاری خداوند سخن آمده است. این شکرگزاری از جنس شکرگزاری انسان‌ها نیست و کنایه از پاداش‌دهی در برابر اعمال خیری است که بندگان با میل و رغبت آن را انجام می‌دهند (نک: ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۰۳؛ قرشی، ۱۳۷۵ ش، ج ۱، ص ۲۹۱؛ خرم‌دل، ۱۳۸۴، ص ۴۴). به‌جا آوردن حق آن عمل یکی از معانی شکرگزاری است و این امر به‌واسطه‌ی انسان‌ها به شکل عبادت، اعمال خیر و سپاس‌گزاری زبانی و قلبی است و به‌واسطه‌ی خداوند متعال به‌صورت پاداش و پاسخ به اعمال خیر انسان است؛ بنابراین، خداوند شکرگزاری را تبدیل به‌صورت یک اصل و سنت گفت‌وگوهای سازنده کرده است که باید در برابر لطف و خوبی به‌جا آورده شود و این شکرگزاری در هر جایگاهی واجب است. بر اساس این، پس از دعوت به شکرگزاری و بیان فواید و تثبیت جایگاه آن، در این گام به پاداش شکرگزاری می‌پردازد و این پاداش را با خود شکرگزاری بیان می‌کند تا به معنای دیگری از شکر اشاره نماید؛ معنایی که مفهوم عدالت را در خود جای داده است. هر نعمت شکر و هر شکر پاداشی خواهد داشت و این‌گونه در برابر هر عمل باید عدالت رعایت گردد و حق آن به‌جا آورده شود.

### گام هشتم: شکرگزار واقعی، پایبند به دین

«وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۴).

خداوند تداوم و تثبیت دین‌داری را با مؤلفه‌ی شکرگزاری سنجیده و شکرگزار واقعی را پایبند به دین معرفی کرده است. در این آیه، خداوند وابستگی بیش‌ازحد مردم به پیامبر<sup>(ص)</sup> و فردپرستی را نکوهش نموده است؛ زیرا در این صورت پس از پیامبر<sup>(ص)</sup>، خطر ارتداد برای جامعه‌ای که فقدان رهبر دینی دارد، بسیار است (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۱۶؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۸۱). اشاره به پاداش شاکران بیان‌کننده‌ی این نکته است، در هر حالت اعم شخص پیامبر<sup>(ص)</sup> و دیگران، پاداش برای کسی است که شکرگزار خداوند باشد و نعمت‌های الهی را همسو با هدف

خلقت استفاده کند و با این کار، حق منعم را به جا می‌آورد و در این حالت، در دین ثابت قدم است و راه مستقیم را طی خواهد کرد (نک: گنابادی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۴۱۰). توحید بنیان دین است و پس از آن، در طول حاکمیت خداوند باید از پیامبر<sup>(ص)</sup> اطاعت نمود. علت اشاره‌ی بازگشت به جاهلیت، پیش از مبحث شکرگزاری، بدین سبب است که اگر همه‌ی انسان‌ها به جاهلیت بازگردند، هیچ ضرری به خدا نمی‌زند؛ بنابراین، شکرگزاری تنها برای شخص شکرگزار مؤثر است و جایگاه او را بالا می‌برد و برای خداوند، شاکر بودن و نبودن فرقی نمی‌کند (نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۵۰). مراد از شاکرین در این آیه کسانی هستند که هرگز مرتد نمی‌شوند و سلامت معنوی خود را با شکرگزاری تقویت و تثبیت می‌کنند.

با توجه به گام‌های پیشین، شکرگزار واقعی با شناخت منعم از شرک دور می‌گردد و در مسیر خود، ثابت قدم است و خداوند نیز او را هدایت می‌کند. پس از مرتدها، از شاکرین یاد شده است؛ چون هرکسی از راه هدایت بازگردد و مرتد شود، ناسپاس است و حق هدایت را به جا نیاورده است. یکی از موارد شکرگزاری شاکران در این آیه رسالت پیامبر<sup>(ص)</sup> است که به سبب استقامت و پابندی به این رسالت و شکرگزار بودن آنان در همه‌ی شرایط، پاداش عطا می‌شود (نک: کاشانی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۴۷؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۹۸). در این گام نیز، به اختیار انسان در شکر و همچنین بی‌نیازی خداوند از شکرگزاری انسان‌ها در لفافه اشاره شده است و زمینه‌ای است برای مرحله‌ی بعدی که انسان را در شکرگزاری مختار اعلام می‌کند؛ اما همراه با پذیرش مسئولیت انتخابی که داشته است.

### گام نهم: اعطای پاداش کامل به شاکران

«وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّوجَّلاً وَمَنْ يَرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يَرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۵).

خداوند در این آیه، به شاکران وعده‌ی پاداشی کامل داده است. این آیه در ادامه‌ی آیه‌ی پیشین نازل شده که درباره‌ی رحلت پیامبر<sup>(ص)</sup> بود و پایان رسیدن زمان عمر معین را تنها به فرمان خدا می‌داند و با واگذاری زمان مرگ به خداوند، از انسان در این باره سلب اختیار می‌کند؛ اما در عوض درباره‌ی چگونگی گذراندن این مسیر و جایگاه پس از مرگ، انسان را راهنمایی می‌نماید. خداوند در این دو آیه، انسان را از نگرانی‌های بی‌مورد به سوی مسئولیت اصلی آن، یعنی آماده شدن برای سفر آخرت سوق می‌دهد، به تلاشگران که نیت کردارشان نیک است، وعده‌ی نعمت دنیا و آخرت می‌دهد، از هرکدام که بخواهند؛ و دنیا را میدان عمل تعریف می‌کند که می‌توان برای رسیدن به پاداش در این میدان نیک عمل کرد و پاداش خود را در دنیا و آخرت دریافت نمود (نک: امین، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۸۷)؛ اما کسانی که بدون چشم‌داشت به پاداش دنیا و آخرت، شاکر خداوند متعال هستند و در صراط مستقیم، تنها خداوند یکتا را شکر می‌گویند، به زودی خداوند به آنان پاداش خواهد داد (نک: حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۲۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۶۲). از تعبیر «سنجزی» برای شاکران و تعبیر «نؤته» برای خواستاران ثواب دنیا و آخرت به دست

می‌آید که پاداش شاکران جزای شکر آنان است، نه اینکه مجرد اعطا باشد. درست است که شکرگزاری به‌جا آوردن حق نعمت‌هایی است که خداوند بر ما ارزانی داشته؛ اما همین شکر آن قدر ارزشمند است که جزا و پاداشی برای آن در نظر گرفته شده است. اضافه بر این، واژه‌ی «منها» دلالت می‌کند بر اینکه دو طایفه‌ی پیش، تنها به برخی از خواسته خود دست می‌یابند؛ اما شاکران جزای کامل دریافت می‌کنند (نک: طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۳۶۷). از سیاق آیات برمی‌آید که دسته‌ی سوم انگیزه‌شان پاداش دنیا و آخرت نیست (نک: سلطان‌علی‌شاه، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۴۱۴)، بلکه تنها برای سپاس‌گزاری اعمال، جهاد خود را انجام می‌دهند و به همین علت، پاداش هردو سرای بدون هیچ شرطی به آنان اعطا می‌شود. این آیه در ادامه‌ی گام پیش است و مسیر پایبند واقعی به دین (شکرگزار) را مشخص می‌کند که در مقایسه با دیگران چه پاداشی دارد و عاقبت او چه خواهد شد.

### ارتباط گام‌های مرحله‌ی متوسطه

در مرحله‌ی متوسطه، با توجه به اینکه شناختی از مسیر شکر در مرحله‌ی پیش ایجاد شد، خداوند در ۹ گام به بیان اشکال و فواید شکرگزاری و مصادیق عینی آن در زندگی پیشینیان پرداخته است تا با ذکر این مثال‌ها، انواع کاربرست شکر در زندگی برای انسان عملیاتی شود. گام نخست این مرحله راهی برای نجات انسان از موقعیت‌های دشوار و تنگنای زندگی را نشان می‌دهد که آن راه نجات پیوستن به گروه شاکران است؛ یعنی اگر انسان بخواهد فراتر از رسیدن به خواسته‌ها عمل کند و از درماندگی هم نجات یابد، باید در شکرگزاری مداومت بورزد و در گروه آنان قرار بگیرد؛ پس خداوند علاوه بر بیان منافع ارزشمند شکر، در مقابل انتظار بیشتری هم از انسان دارد که شکر را در زندگی خود نهادینه کند تا به پاداش آن برسد.

در گام بعدی، خداوند به این توجه دارد که نگاه انسان به شکر، تنها مادی و تجارت‌گونه نباشد، بلکه ارزش واقعی شکر و شکرگزار در جامعه‌ی اسلامی شناخته شود؛ پس این دو مرحله مکمل یکدیگر برای کاربرست صحیح شکر در میان انسان‌هاست. در این گام، شکرگزاری به‌عنوان مؤلفه و معیاری برای ارزشمندی انسان معرفی شده است که نقش حیاتی برای شناخت و آزمودن انسان ایفا می‌کند. حال که وجود انسان با مؤلفه‌ی شکر ارزشمند شده است، در گام بعدی، خداوند موهبت ویژه‌ای به انسان شکرگزار ارزانی می‌دارد که آن رساندن امداد در شرایط بحرانی است، به‌گونه‌ای که هر انسانی در سختی، خود را متوجه خدا می‌سازد و برای مددجویی از خداوند، قول شاکر بودن می‌دهد که پس از نجات از آن مهلکه، به غفلت خود ادامه می‌دهد؛ بنابراین، خداوند در گام بعد، راهی برای آفت‌زدایی از غفلت و فراموشی خداوند که منجر به شرک می‌شود، بیان کرده است تا انسان را از آن نجات دهد و از امدادهای خود بهره‌مند سازد. این راه نجات و فرار از شرک همان شکرگزاری است؛ بدین سبب که در شکرگزاری، انسان با قدردانی از نعمت‌ها به منعم حقیقی که خداوند است، خواهد رسید و از توجه به خدایان دروغینی که

سراسر زندگی‌اش را فراگرفته‌اند، دور می‌شود و این فاصله‌ای که شکرگزاری بین انسان و شرک ایجاد می‌کند، درنهایت، موجب هدایت او به سوی خداوند می‌گردد.

با دیدن نعمات است که فکر انسان درگیر راهیابی و هدایت به سوی خالق آن‌ها می‌شود، بر اساس این، شکرگزاری عاملی برای دوری از شرک و هدایت به سوی خداوند است که در گام‌های بعدی گفته شده است. انسان شکرگزاری که هدایت یافته است، در سایه‌سار حمایت خداوند است و منافع و امنیت او آن‌گونه که مصلحت اوست، از سوی خداوند تأمین می‌شود. در گام ششم این مرحله، از قوم حضرت داوود<sup>(ع)</sup> یاد شده است. در گام هفتم که آیه‌ای از سوره مدنی است، خداوند خود را در برابر شکر بندگان، شاکر معرفی کرده که این تبدیل شکرگزاری به عنوانی سنتی است که حق عمل را به جا می‌آورد. در این گام، خداوند همه‌ی منافع و امدادهایی را که برای شکرگزاران در گام‌های پیشین قرار داده بود، ذیل یک عنوان یعنی شکرگزاری خداوند در برابر شکر بنده جای داده است. در دو گام بعدی نیز از پاداش انسان شکرگزار سخن آمده است؛ اما پاداش‌ها و منافع دنیوی مدنظر نیست، بلکه خداوند از پاداش نهایی و اخروی انسان شاکر سخن گفته است که این پاداش اخروی در پایان کار مشخص خواهد شد؛ بدین سبب برای آن، مداومت تا آخرین لحظات و در هر شرایطی، حتی با وجود فقدان پیامبر<sup>(ص)</sup>، ذکر شده است و می‌توان این شرایط را بر عصر حاضر نیز تطبیق داد.

برای شکرگزار واقعی، مداومت و تثبیت شکر آزمونی است که برای رسیدن به پاداش نهایی باید از آن سربلند بیرون بیاید و پاداش کامل را گرچه انتظاری جز رضایت خداوند ندارد، از آن خود کند. درنهایت، پس از همه‌ی گام‌هایی که جایگاه شاکر را برای انسان تبیین می‌کند، در آخرین مرحله، با انسان اتمام حجت می‌نماید و انتخاب را به خود او واگذار می‌کند؛ زیرا در روز جزا، هر انسان مسئول اعمال و انتخاب‌های خود است.

### ۳.۵. مرحله‌ی نهایی

در مرحله‌ی نهایی، مقام شاکر به تدریج گفتمان‌سازی می‌شود و دیگر نیازی به آموزش و تبیین شکرگزاری نیست؛ به همین سبب، با انسان اتمام حجت شده و انتخاب به عهده خود او واگذار گردیده است، این مرحله در ۲ گام قابل بررسی است. قرآن کریم با برنامه‌ی دقیق و پی‌درپی، مسیر شکرگزاری را ترسیم کرد و انسان‌ها از نظر نگرش دریافتند که نه تنها در مشکلات، بلکه در همه حال باید به یاد خداوند و شکرگزار نعمت‌هایی باشند که تنها از سوی پروردگار عالم است.

### گام نخست: بی‌نیازی خداوند به شکرگزاری انسان

«مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَدَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا» (نساء: ۱۴۷).

خداوند در این گام، بی‌نیازی و غنی بودن خود را نسبت به شکر انسان بیان داشته است و اضافه می‌کند، این مسئله که خداوند برای انسان‌ها جزا و پاداش معین کرده است، از سر نیاز نیست؛ بدین سبب که عذاب دادن برای نفع بردن و دفع ضرر یا فرونشاندن خشم و غضب است

و چون خداوند غنی مطلق است، این موارد در او راه ندارد؛ بنابراین، دلیلی ندارد خداوند کسی را که شکرگزار بوده و ایمان آورده است، عذاب دهد (نک: مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۷۷۳). عذاب و پاداش آخرت نتیجه‌ی اعمال است، اعمالی که خود انسان با آگاهی به سراغ آن می‌رود و با پاداش، اعمال و زندگی انسان معنا پیدا می‌کند (نک: حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۵۸؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۵۰). گفتنی است که شکرگزاری پیش از ایمان آمده است و زمینه‌ساز بودن شکرگزاری برای ایمان به خدا را نشان می‌دهد (نک: قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۹۶)؛ همچنین تقدیم «شکرتم» بر «امنتم» می‌تواند اشاره به این معنا باشد که شکر نعمت مستلزم شناخت منعم (خداوند) است (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۴، ص ۱۸۳؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۵۱) و نتیجه‌ی شناخت منعم ایمان به اوست و ایمان به خداوند بارزترین نمود شکر و سپاس انسان به درگاه وی است. توصیف خداوند به «شاکر» حکایت از پاداش‌دهی او در مقابل شکرگزاری بندگان است و بیان‌کننده‌ی این معنا است که پاداش‌های الهی مناسب با رفتار و کردار نیک انسان‌هاست (نک: خرم‌دل، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۸۴). شکر در این آیه امتیازی ویژه است که مؤمنان با آن می‌توانند در دنیا و آخرت از عذاب الهی در امان باشند (نک: جزایری، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۵۶۳). علم و آگاهی گسترده‌ی خداوند تضمین‌کننده‌ی پاداش‌دهی او به بندگان مؤمن و شاکر خویش است. در مرحله‌ی نهایی، به موضوع اختیار انسان در شکرگزاری اشاره شده است؛ بدین سبب که بی‌نیازی خداوند از شکر انسان نشان‌دهنده‌ی این نکته است که تأثیر شکر، تنها برای انسان است و این انسان است که به شکرگزاری و آثار ارزشمند آن نیازمند است، وگرنه خداوند ذاتی نامحدود و بی‌نیاز است.

### گام دوم: اختیار در شکرگزاری

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان: ۳).

در این گام، خداوند انسان را در شکرگزاری مختار قرار داده است. در این آیه، دامنه‌ی معنایی شکرگزار وسیع است؛ یعنی راه هدایت به‌وسیله‌ی انبیا و قرآن به انسان نشان داده شده است (نک: طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۹۷). اگر آن را انتخاب کند و در مسیر درست قرار بگیرد؛ یعنی حق آن را به‌درستی به‌جا آورده است و مطابق همان انتخاب نیز جزا داده می‌شود و اگر از کنار آن به‌آسانی بگذرد، ناسپاس است و با اختیار، خود راه شقاوت را برمی‌گزیند و به انتخاب خود، راه دوزخ را می‌جوید. خداوند حجت را بر انسان تمام کرده و تصمیم بر اینکه شاکر باشد یا ناسپاس را بر عهده‌ی خود او گذاشته است. اختیاری که خداوند به انسان عطا کرده است، به حال خود واگذار کردن نیست. خداوند هر لحظه بر انسان محافظ و بصیر است که اگر دمی این نگاه خداوند نباشد، انسان و جهانی وجود ندارد (حدید: ۴)؛ پس اختیار همراه با راهنمایی و آگاه کردن انسان به او داده شده است و به این معناست که اختیار ارزش پیدا می‌کند و از همین راه، انسان نیز ارزشمند می‌شود و ارزش شکر نیز به اختیاری بودن آن است (نک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۲۰، ص ۷۲؛ کاشانی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۵۶). نکته‌ی دیگر اینکه شاکر در مقابل کفور به‌کار رفته است. کفور از ماده‌ی «ک ف ر» به معنای پوشیده داشتن است که در اینجا، به معنی پوشیده داشتن حق

و عمل نکردن به آن است؛ پس هدایت و اختیار نعمتی بزرگ و شایسته‌ی سپاس‌گزاری است که نباید ارزش آن بر ما پوشیده بماند و با بیانی بهتر، شکر نعمت یعنی اظهار آن و با به‌کار بستن در مسیر درست است که به‌درستی ظاهر می‌شود (نک: قرشی، ۱۳۷۵، ج ۱۱، ص ۴۷۲).

آخرین مرحله‌ی کاربرد قرآنی شاکر با معنای اختیار گِره خورده است که بیان‌کننده‌ی افزایش آگاهی جامعه و نشان‌دهنده‌ی این نکته است که از مقام شاکر و مؤلفه‌های آن آگاهی می‌یابد و با اختیار مسیر، فرایند مسیر را برمی‌گزیند.

### ارتباط گام‌های مرحله‌ی نهایی

خداوند در مرحله‌ی نهایی، با ۲ گام با انسان اتمام حجت می‌کند و حق انتخاب را به او واگذار می‌نماید. در گام اول بی‌نیازی خداوند به شکرگزاری انسان مطرح می‌شود و این بی‌نیازی نشان‌دهنده‌ی این است که تأثیر شکر تنها برای خود انسان است و ذات نامحدود خداوند غنی است و نیازی به شکرگزاری ندارد بر اساس این، انسان پس از آگاهی از گفتمان‌سازی قرآنی مقام شاکر می‌تواند شاکر بودن یا نبودن را خود انتخاب کند و البته با توجه به آیات بعدی گام دوم، پشتوانه‌ی هرکدام از این انتخاب‌ها سرنوشت قطعی است که باید بپذیرد؛ چون خود آن را انتخاب می‌کند.

مراحل	اقدامات	مفهوم اقدامات	آدرس به‌ترتیب نزول
مراحل مقدماتی	گام نخست	موانع شکرگزار	اعراف: ۱۷
	گام دوم	شکر در برابر نعمت رسالت (الگو)	اعراف: ۱۴۴
	گام سوم	شاکر در برابر خواسته‌ها (فرزند صالح)	اعراف: ۱۸۹
مراحل متوسطه	گام چهارم	شاکر برای نجات از درماندگی	یونس: ۲۲
	گام پنجم	شکرگزاری معیار ارزشمندی	انعام: ۵۳
	گام ششم	شکرگزاری راه رسیدن به امداد خداوند	انعام: ۶۳
	گام هفتم	شکرگزاری مانعی برای شرک	زمر: ۶۶
	گام هشتم	شکرگزاری عاملی برای هدایت	نحل: ۱۲۱
	گام نهم	شکر راه رسیدن به امنیت و منافع	انبیاء: ۸۰
	گام دهم	شاکر بودن خداوند در برابر شکرگزاری ما	بقره: ۱۵۸
مراحل نهایی	گام یازدهم	شکرگزار واقعی، پایبند به دین	آل‌عمران: ۱۴۴
	گام دوازدهم	اعطای پاداش کامل به شاکران	آل‌عمران: ۱۴۵
	گام سیزدهم	بی‌نیازی خداوند از شکرگزاری انسان	نساء: ۱۴۷
	گام چهاردهم	اختیار در شکرگزاری	انسان: ۳

در پایان، لازم به ذکر است، واژه‌ی «شکور» هم در معنی «شاکر» به‌کار بسته شده است. کاربرد «شکور» در سیاق‌های مختلف، بیان‌کننده‌ی تثبیت گفتمان‌سازی مقام شاکر و مؤلفه‌های پس

از دارا شدن این مقام است. درباره‌ی صفات، خداوند به اعجاز آفرینش اشاره کرده و آن را برای اهل تذکر سبب، عبرت‌گیری و شکرگزاری دانسته است (فرقان: ۶۲). در سه کاربرد با هم‌نشین «غفور» به‌صورت «غَفُورٌ شَكُورٌ»، صفتی برای خداوند واقع‌شده است (فاطر: ۳۰ و ۳۴؛ شوری: ۲۳) و تقویت‌کننده‌ی جایگاه شاکر با تثبیت آن به‌واسطه‌ی تشویق در تقویت و تثبیت جایگاه است، با این بیان که خداوند نیز «شکور» است. در مرتبه‌ی بعدی، شکور با هم‌نشینی «عبد» به‌عنوان صفت حضرت نوح<sup>(ع)</sup> ذکر شده است (اسرا: ۳). حالتِ تکامل و بلوغ فرایند نهادینه‌سازی مقام و مؤلفه‌های شاکر به دارا شدن مؤلفه‌ی «صَبَّارٌ شَكُورٌ» منجر می‌شود (لقمان: ۳۱؛ سبأ: ۱۹؛ شوری: ۳۳؛ ابراهیم: ۵). دارندگان این مقام اهل تعقل درباره‌ی عظمت نعمت‌های الهی و حوادث امت‌های گذشته هستند؛ همچنین خداوند در گفتمان‌سازی صدقه، رضایت الهی را مدنظر قرار می‌دهد و عَوْضُ پاداش و شکر را تأیید می‌کند (نک: انسان: ۹). درنهایت، با هم‌نشینی «حَلِیمٌ» به‌صورت «وَ اللَّهُ شَكُورٌ حَلِیمٌ»، به‌عنوان صفات خداوند در تشویق به قرض‌الحسنه مورد تأکید قرار گرفته که در معنای کسب رضایت خداوند و معامله با اوست.

ردیف	نشانی به‌ترتیب نزول (معرفت، ۱۳۹۱، ص ۷۷-۷۸).			مدنی / مکی
	سوره	آیه	ترتیب نزول	
۱	فرقان	۶۲	۴۲	مکی
۲	فاطر	۳۰ و ۳۴	۴۳	مکی
۳	اسراء	۳	۵۰	مکی
۴	لقمان	۳۱	۵۷	مکی
۵	سبأ	۱۹	۵۸	مکی
۶	شوری	۲۳ و ۳۳	۶۲	مکی
۷	ابراهیم	۵	۷۲	مکی
۸	انسان	۹	۹۸	مدینه
۹	تغابن	۱۷	۱۱۰	مدینه

## ۶. نتیجه‌گیری

متناظر با فضای اولیه‌ی آغاز بعثت، خداوند ضمن توجه به بافت و دانایی جامعه و مخاطبان، برای نهادینه کردن شکر در بندگان و تربیت شخص شاکر، ابتدا موانع شکر را بیان کرده است تا با زدودن موانعی که در آن بافت وجود داشت، بتوان زمینه‌ای برای تحقق شکرگزاری حقیقی ایجاد کرد. در اولین گام آموزش شکرگزاری، فرستاده‌ی خود را در امر رسالت به‌عنوان الگویی برای بندگان مطرح می‌سازد تا با طرح مثال عینی، راه بهانه‌جویی را بر همگان ببندد. در آیات مکی، خداوند گفتمان‌سازی مقام شاکر را به زبان تجارت بیان می‌کند. از آنجاکه مردم عربستان تاجر پیشه بودند و کارشان به‌صورت مبادله‌ی کالا به کالا بود، همین‌که خداوند در ازای شکر، پاداشی

را مشخص کرده، پذیرش مقام شاکر برای آنان ملموس‌تر بوده است. مرحله‌ی نخست در سه گام قابل‌بررسی است که از زدودن موانع شروع می‌شود و با ارائه‌ی الگو، شکرگزاری را عینی می‌کند و اولین شکرگزاری انسان را در بستر خانواده برای فرزند صالح مطرح می‌سازد که بیان‌کننده‌ی راهی برای آغاز سپاس‌گزاری است. در مرحله‌ی متوسط، با توجه به آماده‌سازی ذهنی در مرحله‌ی پیش، آشکال و فواید شکرگزاری در ۹ گام بررسی می‌شود و با تبیین اهمیت و ضرورت شکرگزاری، به دنبال تثبیت جایگاه شکرگزاری در موقعیت‌های مختلف زندگی انسان است. در آیات مدنی این مرحله، مفاهیم عمیق‌تری نسبت به آیات مکی بیان‌شده است که نشان‌دهنده‌ی گفتمان‌سازی عمیق دینی است و احتمال برداشت اشتباه و خطا از این مفاهیم والا بسیار پایین است.

در مرحله‌ی نهایی که دیگر نیازی به آموزش و تبیین شکرگزاری نیست، با انسان اتمام‌حجت شده و انتخاب به عهده‌ی خود او واگذار گردیده است. در گام اول، بی‌نیازی خداوند به شکرگزاری انسان مطرح می‌شود و این بی‌نیازی نشان‌دهنده‌ی این است که تأثیر شکر تنها برای خود انسان است و ذات نامحدود خداوند غنی است و نیازی به شکرگزاری ندارد. بر اساس این، انسان پس از آگاهی از گفتمان‌سازی قرآنی مقام شاکر می‌تواند شاکر بودن یا نبودن را خود انتخاب کند و البته با توجه به آیات بعدی گام دوم، پشتوانه‌ی هرکدام از این انتخاب‌ها سرنوشت قطعی است که باید بپذیرد؛ چون خود آن را انتخاب می‌کند.

## منابع

- قرآن کریم.
- ابن سلیمان، مقاتل؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ ق.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی؛ روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن؛ مشهد: آستان قدس رضوی-بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۰۸ ق.
- اشکوری، محمد بن علی؛ تفسیر شریف لاهیجی؛ تهران: دفتر نشر داد، ۱۳۷۳ ش
- امین، نصرت بیگم؛ تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن؛ بی‌جا، بی‌تا.
- ایزوتسو، توشیهیکو؛ مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید؛ ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای؛ چاپ دوم، تهران: نشر و پژوهش فرزاد، ۱۳۸۸ ش.
- ثعلبی، احمد بن محمد؛ الکشف و البیان؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
- ثقفی تهرانی، محمد؛ روان جاوید در تفسیر قرآن مجید؛ چاپ دوم، تهران: برهان، ۱۳۹۸ ق.
- جزایری، ابوبکر جابر؛ تفسیر ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر؛ مدینه منوره: مکتب العلوم و الحکم، ۱۴۱۶ ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح؛ بیروت: دار العلم للملایین، ۱۳۷۶ ق.
- حدادی، زهرا؛ «تحلیل مفاهیم شکرگزاری مبتنی بر رویکرد اسلامی از نظر آیات و روایات»؛ پایان‌نامه‌ی دانشگاه پیام نور، ۱۴۰۰ ش.
- حسینی همدانی، محمد؛ انوار درخشان در تفسیر قرآن؛ تهران: لطفی، ۱۴۰۴ ق.
- خرم‌دل، مصطفی؛ تفسیر نور؛ چاپ سوم، تهران: احسان، ۱۳۸۴ ش.
- خسروانی، علیرضا؛ تفسیر خسروی؛ تهران: کتاب‌فروشی اسلامی، ۱۳۹۰ ق.
- خطیب، عبدالکریم؛ التفسیر القرآنی للقرآن؛ بیروت: دارالفکر العربی، ۱۴۲۴ ق.
- دیوبندی، محمود حسن؛ تفسیر کابلی؛ چاپ یازدهم، تهران: احسان، ۱۳۸۵ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ تفسیر قرآن مهر؛ قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ ش.
- سعدی، عبدالرحمن؛ تفسیر تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان؛ چاپ دوم، بیروت: مکتبه النهضة العربیة، ۱۴۰۸ ق.
- سلطان‌علی‌شاه، سلطان محمد بن حیدر؛ متن و ترجمه‌ی فارسی تفسیر شریف بیان السعادة فی مقامات العبادة؛ تهران: سرالاسرار، ۱۳۷۲ ش.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر؛ الإقتان فی علوم القرآن؛ لبنان: دار الکتاب العربی، ۱۴۲۱ ق.
- صانعی‌پور، محمدحسن؛ مبانی تحلیل کارگفتی در قرآن کریم؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰ ش.
- \_\_\_\_\_؛ لطفی‌پور، سید مهدی؛ پیوستگی متن قرآن کریم (رویکرد زبان‌شناختی)؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۵.
- طالقانی، محمود؛ پرتوی از قرآن؛ چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ ش.
- طباطبایی، محمدحسین؛ ترجمه‌ی تفسیر المیزان؛ چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،

دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.

- \_\_\_\_\_؛ تفسیرالبيان فی الموافقه بين الحديث و القرآن؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۲۴ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیرالقرآن؛ چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- طریحی، فخرالدین بن محمد؛ مجمع البحرین؛ چاپ سوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
- طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیرالقرآن؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- طیب، عبدالحسین؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن؛ چاپ دوم، تهران: اسلام.
- عبدالرؤف، حسین؛ سبک شناسی قرآن کریم (تحلیل زبانی)؛ ترجمه ی پرویز آزادی؛ تهران: دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup>، ۱۳۹۰ ش.
- عسکری، حسن بن عبدالله؛ الفروق فی اللغة؛ بیروت: دار الافاق الجدیده، ۱۴۰۰ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین؛ چاپ دوم، قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق.
- قائمی نیا، علیرضا؛ معناشناسی شناختی قرآن؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
- \_\_\_\_\_؛ بیولوژی نص (نشانه شناسی و تفسیر قرآن)؛ چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
- قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
- قرشی بنابی، علی اکبر؛ تفسیر احسن الحدیث؛ چاپ دوم، تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۵ ش.
- کاشانی، فتح الله بن شکرالله؛ منهج الصادقین فی الزام المخالفین؛ تهران: کتاب فروشی اسلامیه، بی تا.
- گنابادی، سلطان محمد؛ تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة؛ چاپ دوم، بیروت: مؤسسه العلمی، ۱۴۰۸ ق.
- مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- محسنی، محمد آصف؛ تفسیر موضوعی قرآن تسنیم؛ بی جا: ولایت، ۱۳۷۲ ش.
- مشکور، محمد جواد؛ فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی؛ تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷ ش.
- مغنیه، محمد جواد؛ تفسیر کاشف؛ قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۴ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ چاپ دهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
- میبدی، احمد بن محمد؛ کشف الاسرار و عدة الابرار؛ چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
- معرفت، محمد هادی؛ علوم قرآنی؛ چاپ چهاردهم، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۹۱ ش.
- نیسی، مریم؛ «شکرگزاری در قرآن و روایات»؛ همایش بین المللی مطالعات دینی و علوم انسانی در جهان و اسلام، ۱۳۹۹ ش.